

میراث اخلاقی بوعلی سینا؛ کتاب‌شناسی تحلیلی

دکتر رستم فلاح*

چکیده

یکی از میراث‌داران اخلاقی تاریخ و فرهنگ اسلامی - ایرانی بوعلی سیناست. هم نوشتن و هم نوشتن این حکیم بزرگ در اخلاق قابل تأمل است. آن قدر که در فلسفه، منطق و پزشکی او کاویده‌ایم، در میراث اخلاقی او تأمل نکرده‌ایم. در اینجا سه اثر اخلاقی او که به دست ما رسیده، گزارش کتاب‌شناختی و نیز تحلیل جریان‌شناختی اخلاقی می‌شود که عبارتند از: ۱. فی علم الاخلاق؛ ۲. الرسالة فی العهد؛ ۳. مقامات العارفين. نیز دو اثر اخلاقی وی که مفقود شده است، یعنی: ۴. البر والاثم فی الاخلاق؛ ۵. کلام فی المواعظ، گزارش و در پایان آثاری از وی که به نوعی مرتبط با اخلاق است، کاویده می‌شود تا سمت و سوی اخلاقی وی نمایان‌تر شود.

کلیدواژه: اخلاق، ابن سینا، جریان‌های اخلاقی، اخلاق پژوهان، میراث اخلاقی.

*. دکترای حکمت و فلسفه اسلامی، پژوهشگر و مدرس اخلاق حرفه‌ای. (fallah2009@ut.ac.ir)

مقدمه

امروزه شاید بیش از هر زمان، دست ما در پی اخلاق می‌گردد. این از دردمندی است و نه از هوشمندی! اخلاق زوایای ناپیدا و تلقی‌های بسیار ناروایی در میان ما دارد. کمتر کسی است که فریادش از بی‌اخلاقی‌ها و بداخلاقی‌ها بلند نباشد؛ اما این نهایتاً ادراک یک درد است؛ ولی اینکه چه تلقی از آن داریم و ماهیت آن چیست و ریشه‌های آن کجاست و چگونه قابل دستیابی است، امهاتی است که عمق آگاهی ما از آنها، اجازه بدهید به مبالغه بگویم که به یک بند انگشتمان هم نمی‌رسد.

البته که دست ما خالی نیست! به یک معنا، ما سرگنج نشسته‌ایم و درد فقر می‌کشیم. میراث ما از اخلاق غنی است؛ اما به واقع گنج است و هیچ گنجی به صورت خام رافع نیاز ما نیست، باید تبدیل شود، فرآوری شود و متناسب با نیاز امروز ما تغییر کند. اگر ارزش‌های اخلاقی در طول تاریخ ثابت باشد؛ اما مسایل اخلاقی که قطعاً متغیر است؛ به همین نسبت راه حل‌ها هم متغیر خواهد بود. بنابراین، صرف فخرفروشی به میراث پاسخ درد امروز ما نیست. هرچند کشف این میراث گام نخست است؛ اما به آن هم اکتفا کردن فریبنده است.

اقبال به اخلاق در ایران معاصر، چه از سر دردمندی و چه هوشمندی، متأسفانه بی‌خبر یا کم‌خبر از این میراث غنی پیش می‌رود. نیم‌نگاهی به منابع و مأخذ مقالاتی که امروزه در نشریات علمی و در حوزه مدیریت، تربیت، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و منتشر می‌شود، گواه خوبی بر این مدعا است. ارجاع به میراث اخلاقی اخلاق‌پژوهان مسلمان اندک است.

اخلاق پژوهان مسلمان تا سده هفتم، نوآوری‌های قابل توجهی در اخلاق داشتند و رسایل فراوانی از خود به جای گذاشتند. در نیمه اول دوره اسلامی، جریان‌های اخلاقی با جهت‌گیری‌های متفاوت متنوع و گاه ابتکاری بود؛ اما متأسفانه در نیمه دوم، آن طراوت، نوآوری و تنوع دیده نمی‌شود. به هر روی، یکی از آن میراث‌سازان نیمه اول، بوعلی است. او که در بسیاری از علوم روزگار خود سرآمد بود، در اخلاق هم قابل ردیابی است. این نوشتار میراث اخلاقی بوعلی را می‌کاود و معرفی می‌نماید. دوچندان عمیق‌تر و گسترده‌تر از آن‌چه برای بوعلی در اینجا گزارش می‌شود، برای شماری از اخلاق پژوهان مسلمان نیمه نخست، فراهم آمده که امیدوارم به زودی به صورت یک اثر مستقل در اختیار علاقمندان قرار گیرد.

بوعلی سینا

معروف است که بوعلی روزی به مجلس درس مسکویه رازی، دانشمند معروف آن زمان، حاضر شد. با کمال غرور گردویی را جلوی مسکویه افکند و گفت مساحت سطح این را حساب کن. مسکویه جزوه‌هایی از یک کتاب که در علم اخلاق و تربیت نوشته بود (کتاب طهاره الاعراق)، پیش روی ابن سینا گذاشت و گفت: تو نخست اخلاق خود را اصلاح کن تا من مساحت سطح گردو را تعیین کنم، تو به اصلاح اخلاق خود محتاج‌تری از من به تعیین مساحت سطح این گردو. گفته‌اند که بوعلی از این گفتار شرمسار شد و همین جمله راهنمای اخلاقی او در همه عمر قرار گرفت.

ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا (۳۷۰-۴۲۸ق/۹۸۰-۱۰۳۷م)، بزرگ‌ترین فیلسوف مشایی و پزشک نامدار ایرانی، به برکت زندگی نامه‌ای که ابو‌غئید جوزجانی (و ۴۳۸ ق / ۱۰۴۶ م) شاگرد وفادار وی نگاشته، از زندگی و سرگذشت او آگاهی نسبتاً خوبی وجود دارد و نیازی به بازگویی آن در اینجا نیست. (مجتبایی، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۴۹ - ۱؛ سبانو، ۱۹۸۴/۲۰۰۰م)

هم‌چنین با وجود اثر ارزشمند یحیی مهدوی با عنوان *فهرست نسخه‌های مصنفات ابن سینا* (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۳ ش) و اثر جورج شحاته قنواتی با عنوان *مؤلفات ابن سینا* (القاهره: دارالمعارف، ۱۹۵۰م) نیازی به ارائه فهرست تفصیلی آثار بوعلی هم نیست؛ اما خالی از لطف نیست که یادآوری شود یحیی مهدوی ۱۳۱ اثر اصیل و ۱۱۱ اثر منسوب به ابن سینا را فهرست کرده است. پایگاه الکترونیکی بنیاد بوعلی سینا فهرست الفبایی آثار وی را ارائه کرده که برخی نقایص فهرست مهدوی و قنواتی را جبران می‌کند و نقدهایی بر آنها دارد.^۱

با توجه به گستره علوم و موضوعاتی که بوعلی در آنها ورود داشته، انتظار می‌رود که در اخلاق هم ورودی تفصیلی داشته و رساله یا رسایل مستقلی تألیف کرده باشد؛ ولی در میان آثار منتشر شده از ابن سینا، اثر چندان قابل توجهی با موضوع اخلاق و کلی‌تر از آن، حکمت عملی، دیده نمی‌شود.^۲ البته این باعث نشده که از دیدگاه‌های اخلاقی وی به کلی بی‌خبر مانده باشیم. واژه اخلاق قریب به ۶۰۰ بار در آثار چاپی وی به کار رفته است، این بدان معنی است که وی هر جا مناسبتی دیده، به اخلاق نگاهی داشته است. آثاری که در ادامه معرفی می‌شود برخی اصالتاً در اخلاق هستند، برخی مشتمل بر مباحث اخلاق هستند و برخی نیز با اخلاق همبستگی دارند:

1. <http://buali.ir/asar.fehrest.fa.html>.

۲. رضا داوری اردکانی در مقاله‌ای با عنوان «چرا ابن سینا در حکمت عملی اثر مستقلی تصنیف نکرده است؟» (نامه فرهنگ، شماره ۵۳، پاییز ۱۳۸۳، ص ۱۴۹-۱۴۶) حکمت آن را در این دانسته که او تفصیل حکمت عملی را به شریعت واگذار کرده و وجهی برای ورود فیلسوف به این حوزه ندیده است. به نظر وی فارابی هم، کمابیش، اینگونه بوده و گرچه در حکمت عملی و فلسفه مدنی بسیار بحث کرده؛ اما ورود تفصیلی به بیان قوانین زندگی مدنی نداشته است. حتی خواجه نصیر هم که *اخلاق ناصری* نوشت، به نوعی جمع حکمت عملی یونانی کرد و ختم آن را اعلام نمود. به هر روی، اگر آثار بوعلی، مانند البر و الاثم که در دو جلد بزرگ بوده، به دست ما می‌رسید، شاید در قضاوت داوری تأثیر دیگری می‌گذاشت.

آثار منتشر شده در اخلاق و یا مرتبط با آن عبارتند از: ۱. فی علم الاخلاق؛ ۲. الرساله فی العهد؛ ۳. مقامات العارفين و آثار مفقوده عبارتند از: ۴. البر و الاثم فی الاخلاق؛ ۵. کلام فی المواعظ؛ ۶. آثار مرتبط با اخلاق.

رساله فی علم الاخلاق

فی علم الاخلاق رساله‌ای است بسیار کوتاه در بیان اصول و فروع و تعاریف فضایل و رذایل اخلاقی به سبک ارسطویی. این رساله، رساله نهم از کتاب تسع رسائل فی الحکمه و الطبیعیات (القاهره: دارالعرب، ۱۳۲۶ق، ص ۱۵۷-۱۵۲) است.

رساله فی علم الاخلاق، رساله‌ای است بسیار کوتاه (حدود ۵ صفحه) که در آن، ابتدا، دلیل روی آوردی فرد به شناخت فضایل و رذایل و کسب فضایل و دوری از رذایل را، اعتنای فرد به خود و توجه به سعادت دنیوی و اخروی خویش می‌داند و آن سعادت را در گرو کمال هر دو قوه نظری و عملی می‌نهد. اصول فضایل را عفت، شجاعت، حکمت و عدالت معرفی می‌کند و مقابل آنها را رذایل می‌شمارد. اولی را به قوه شهوت، دومی را به قوه غضب و سومی را به قوه تمییز منسوب می‌نماید. عدالت را هم مجموع استکمال هر یک از آن قوا به فضایل خود می‌داند. آنگاه فروع آن اصول را برمی‌شمارد و به تعریف آنها می‌پردازد. در قسمت پایانی هم، توصیه‌هایی برای ملکه کردن آن فضایل ارائه می‌نماید.

این رساله کوتاه، در واقع، ادامه حکمت اخلاقی حکیمان یونان، به ویژه، ارسطو و بیان نظریه اعتدال اوست. وی در سرآغاز کتاب شفا و نیز در عیون الحکمه فلسفه را، به تبع ارسطو، به دو بخش نظری و عملی تقسیم می‌کند و یادآور می‌شود که موجودات بر دو قسمند: قسمی که وجود آنها به اختیار و فعل ما نیست و از اینگونه موجودات در حکمت نظری بحث می‌شود؛ قسمی که وجود آنها تحت اختیار و فعل ماست و معرفت اینگونه امور، حکمت عملی خوانده می‌شود. وی سپس تقسیمات حکمت عملی را بدین گونه بیان

می‌دارد که موضوع آن یا علم به چگونگی مشارکتی است که بین اشخاص انسانی به‌طور عام حاصل می‌شود، یا موضوع آن علم به کیفیت مشارکت خاصی میان بعضی از انسان‌هاست، یا اینکه متعلق آن، تزکیه نفس شخص واحد است؛ قسم اول تدبیر مدینه و علم سیاست، قسم دوم تدبیر منزل و قسم سوم علم اخلاق خوانده می‌شود. غایت در حکمت نظری، معرفت حق و در حکمت عملی، معرفت خیر است و فایده علم اخلاق، علم به فضایل و چگونگی اکتساب آن و تزکیه نفس و معرفت رذایل و بازداشتن نفس از آنهاست. (ابن سینا، ۱۴۰۴ق، ص ۳۰۴؛ همان، ۱۹۸۰م، ص ۱۶)

تقسیم موجودات به آن‌چه در اختیار ماست و آن‌چه در اختیار ما نیست و اولی را به افعال انسانی و موضوع حکمت عملی تعریف کردن را، پیش از ابن سینا، در فارابی دیده بودیم. تعریف افعال انسانی و موضوع اخلاق به «موجود»، به زعم مهدی حائری یزدی در *کاوش‌های عقل عملی*، اخلاق را از اتهام اعتباری بودن می‌رهاند. اما سه قسم حکمت عملی باید به چه ترتیبی باشد؟ در فارابی، با توجه به اهمیتی که به علم مدنی می‌دهد و اخلاق را یکی از دو قسم آن برمی‌شمارد، شاید بتوان گفت که برای وی ترتیب اقسام حکمت عملی از علم مدنی به سمت اخلاق فردی و تهذیب اخلاق است، قسم دیگر علم مدنی، سیاست است. این ترتیب نزد ابن سینا هم، چنان‌چه دیدیم، با وضوح بیشتری، از سیاست مدن به سمت تهذیب نفس است؛ اما نزد خواجه نصیرالدین طوسی در *اخلاق ناصری*، از اخلاق فردی و تهذیب نفس به سمت سیاست مدن تغییر می‌کند. آیا این تقدم و تأخر بین سیاست و تهذیب نفس نزد آنان امری تصادفی بوده یا خود دیدگاهی هوشیارانه و معنادار بوده است؟ این مسأله با توجه به برنامه تربیتی و اخلاقی‌سازی یا رشد اخلاق امر بسیار مهمی است.

الرساله فی العهد

الرساله فی العهد عهدنامه‌ای است اخلاقی و بسیار کوتاه، عهدی که بوعلی با خود می‌بندد تا قوای نظری و عملی خود را به کمال برساند. رساله‌ای با همین نام در ۱۹۰۰م در

طهران به چاپ سنگی رسیده است و در حاشیه شرح الهدایه الاثیریة ملاصدرا هم چاپ شده است؛ اما چون آن را نیافتم، داوری نمی‌کنم که آن همین رساله باشد. این رساله، رساله هشتم از کتاب تسع رسائل فی الحکمه و الطبیعیات (القاهره: دارالعرب، ۱۳۲۶ق، ص ۱۵۱-۱۴۲) است.

بوعلی در این رساله بسیار کوتاه (حدود ۱۰ صفحه)، با خود عهد می‌کند که همه تمهیداتی را که او را به کمال نظری و عملی می‌رساند، به کار بندد. عمده آن تعهدات اخلاقی است؛ از جمله آنها: کتمان سر، علم، بیان، زیرکی و جودت حس، اصالت رأی، حزم و دوراندیشی، صدق، وفا، رحمت، حیا، بلندهمتی، حسن عهد و تواضع. او یادآور می‌شود که تفصیل و تحدید قوای نفس و اخلاق و فضایل و رذایل باید در جایی دیگر بحث شود. تحدید فضایل، به نظر وی، مستفاد از ارباب ملل است؛ اما آن چه مهم است، عمل به فضایل مذکوره و ترک رذایل است که به شیوه ارسطویی، بیشتر فضایل را حد وسط دو رذیلت می‌داند؛ ولی مانند فارابی، حد اعتدال را برای افراد مختلف یکسان نمی‌داند. وی اخلاق را یکسره اکتسابی می‌داند، بدون آنکه حق فطرت را فروگذارد. فضایل و رذایل به شیوه عادت کسب می‌شوند. سعادت نفس را از جهت ذاتی، علم عقلی شدن و از جهت علاقه‌ای که به بدن پیدا کرده است، استعلای بر آن می‌داند.

این عهدنامه کاملاً از حکمت ارسطویی و نظریه اعتدال او و نیز آرائی از فارابی متأثر است. تعریف او از فضایل، ارسطویی است و اکتسابی خواندن همه اخلاق و شیوه عادت برای کسب فضایل و دوری از رذایل و نیز یکسان نبودن حد اعتدال برای همه مردم در همه زمان‌ها و مکان‌ها، پیش از او، در آثار فارابی آمده بود. (الفارابی، ۱۹۸۷م، ص ۲۰۵ - ۲۰۴، ۱۹۰)

مقامات العارفین (نمط نهم الاشارات و التنبیها)

مقامات العارفین رساله‌ای است توصیفی - تحلیلی درباره حالات و مقامات عملی و عقلی عارفان. این اثر، نمط نهم از اثر معروف بوعلی، اشارات و التنبیها (قم: نشر البلاغه،

۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۹۵ - ۳۶۳) است. اشارات و التنبیهات، چند شرح و ترجمه دارد که مشهورترین شروح آن، شرح فخر رازی و خواجه نصیرالدین طوسی و به دنبال آن دو، محاکمات قطب‌الدین رازی است. این اثر را حسن ملکشاهی به فارسی ترجمه کرده است. مباحث این رساله (حدود ۳۰ صفحه)، در ۲۷ عنوان، به این شرح تنظیم شده است:

۱. تنبیه فی أن للعارفین درجات؛ ۲. تنبیه فی ذکر أحوال طلاب باعتبار الاعراض؛ ۳. تنبیه فی تمییز ما للعارف من الزهد و العباده؛ ۴. اشاره فی إثبات النبوه و الشریعه؛ ۵. اشاره إلى غرض العارف من الزهد و العباده؛ ۶. اشاره فی تمهید العذر لمن یجوز أن یجعل الحق واسطه فی تحصیل شیء آخر غیره؛ ۷. اشاره فی ذکر ما هو مبدء حرکه العارف و هو الاراده؛ ۸. اشاره فی بیان احتیاج المرید إلى الرياضه و بیان أغراضها؛ ۹. اشاره إلى ما یسمى عند العارف بالوقت و هو أول درجات الاتصال؛ ۱۰. اشاره فی بیان أن الاتصال قد یحصل فی غیر حاله الارتیاض؛ ۱۱. اشاره فی أن العارف قد یزول عن سکینته؛ ۱۲. اشاره فی أن الرياضه تبلغ العارف إلى حد یصیر المخطوف مألوفاً؛ ۱۳. اشاره فی أن العارف حد لا یری علیه الابتهاج عند الذهاب؛ ۱۴. اشاره إلى أن المعارفه المستقره التي قد یحصل للعارف؛ ۱۵. اشاره فی أن العارف یتقدم عن رتبه المشیئته؛ ۱۶. اشاره إلى أن العارف اذا صار سره مرآتا للحق؛ ۱۷. اشاره إلى آخر درجات السلوک إلى الحق؛ ۱۸. تنبیه فی بیان نقصان الدرجات التي هی دون الوصول؛ ۱۹. اشاره إجمالی إلى جمیع مقامات العارفین؛ ۲۰. اشاره فی بیان أن العارف من أثر الحق علی عرفانه؛ ۲۱. تنبیه فی أن مقام الرضا فی العارف یتلزم الهشاشه العامه؛ ۲۲. تنبیه فی بیان ما للعارف من الاحوال فی أوقات توجهه بسره إلى الحق؛ ۲۳. تنبیه فی بیان أن العارف لا یعنیه التجسس؛ ۲۴. تنبیه فی بیان أن العارف شجاع جواد صفاح نساح؛ ۲۵. تنبیه فی بیان ما للعارفین من اختلاف الهمم و الاحوال؛ ۲۶. تنبیه فی بیان أن العارف قد یتکون فی حکم من لا تکلیف له؛ ۲۷. اشاره فی بیان قله عدد الواصلین.

خواجه طوسی در آغاز شرح، در پیوند این نمط با نمط هشتم اشارات، که در آن از ابتهاج موجودات به کمالات خاص خود سخن گفته بود، آن را مبنا و مقدمه این نمط قرار می‌دهد و می‌گوید که شیخ در اینجا می‌خواهد از کمال و مدارج صنف انسانی موجودات

سخن بگوید. به نقل از فخررازی هم می‌گوید که آن‌چه در این باب آمده، اجل آن چیزی است که در این کتاب آمده و به مباحث صوفیه نظم و ترتیبی داده که نه سابقه داشته و نه لاحق خواهد داشت.

برخی به احتمال، ابن سینا را نخستین فیلسوفی دانسته‌اند که اخلاق عرفانی را، در اینجا، به زبان فلسفی بیان کرده است. عارف در نظر وی کسی است که از آلودگی بدن پاک شده، از شواغلی که مانع وصول به حق است رهیده و به عالم قدس و سعادت پیوسته است و در عین پیوند با بدن، به سبب رفع شواغل مادی از این لذت روحانی بهره فراوان برده است. گاهی بهره‌مندی از این لذت روحانی، عارف را از همه چیز بازمی‌دارد. در دیدگاه او، بزرگ‌ترین لذت و شادمانی، شادمانی و ابتهاج واجب نخستین به ذات خویش، و بعد از آن، عشق و شادمانی جواهر عقلی به ذات واجب، و سپس لذت عارفان و عاشقان مشتاق است. ابن سینا میان زاهد و عابد و عارف فرق می‌نهد: زاهد کسی است که از متاع دنیا و خوشی‌های آن دوری کند، عابد آن است که در انجام دادن عبادات از قیام و صیام مواظبت نماید و عارف کسی است که فکر خود را متوجه قدس جبروت کند و پیوسته از تابش انوار حق در سر خود برخوردار باشد. زهد نزد عارف، پاک شدن از چیزهایی است که سر و ضمیر انسان را از حق باز می‌دارد و عبادت برای او ریاضت دادن همت و قوه متوهمه و متخیله است تا با این ریاضت نفس، سر خویش را مستعد تجلی انوار حق گرداند. در یک کلام، عارف کسی است که حق نخستین را برای چیزی غیر از حق نمی‌خواهد و هیچ چیزی را بر شناخت او ترجیح نمی‌دهد. ابن سینا در تشریح دیدگاه خود درباره عرفان، برای سیر و سلوک که از آن به حرکات عارفان تعبیر می‌کند، مراتب و مدارجی قائل می‌شود و به تبیین صفات اخلاقی عارفان می‌پردازد. (اعوانی؛ پاکتچی، ۱۳۶۷، ج ۷، ص ۲۰۳)

این اثر تنها به رابطه انسان با خدا و خودش نظر دارد. به عبارت دیگر، تنها اخلاق فردی و اخلاق بندگی و عبودیت یا اخلاق قدسی در آن انعکاس دارد. سبک شیخ در ترتیب و بیان مقامات عارفان کاملاً ابتکاری است. شیخ در اینجا به ره‌آوردهای معرفتی مقامات

عرفانی توجه دارد تا التزامات عملی و رفتاری آنها. متن شیخ خالی از استشهادات قرآنی و روایی است. این متن جهت‌گیری تربیتی هم ندارد. قلم شیخ متفاوت با سایر آثارش که معمولاً از صنایع ادبی استفاده نکرده، اینجا تا حدی از صنایع ادبی و سجع بهره گرفته است. (احمدپور، ۱۳۸۹، ص ۱۸۸ - ۱۸۵)

البر و الائم فی الاخلاق

ابن ابی اصیبعه از قول بوعلی نقل می‌کند که برای ابوبکر برقی [و ۳۷۶] کتابی در اخلاق با نام «البر و الائم» نوشتم که این کتاب تنها نزد اوست و این کتاب را برای استنساخ به هیچ کس عاریت نداد. (ابن ابی اصیبعه، بی‌تا، ج ۳، ص ۷۵) این اثر دو جلد بزرگ بوده است. حاجی خلیفه، به اشتباه، آن را «البر و الائم فی الاخلاق» ضبط کرده است. (حاجی خلیفه، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۳۸) آقابزرگ هم ابتدا آن اشتباه را تکرار کرده؛ (تهرانی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۳۷۱) اما پس از انتشار آن مجلد الذریعه که این اشتباه در آن رخ داده بود، متوجه می‌شود که ضبط درست آن، «البر و الائم» است. (همان، ج ۳، ص ۸۳) نویسندگان کتاب شناخت اخلاق اسلامی ظاهراً اشتباه آقابزرگ را دیده‌اند؛ اما اصلاح وی را ندیده‌اند. (احمدپور، ۱۳۸۹، ص ۱۸۵)

شیخ در حدود سال‌های ۳۹۲ تا ۳۸۷ که در بخارا بوده، این رساله را برای یکی از همسایگان خود، ابوبکر برقی خوارزمی، نوشته است. سمعانی از قول ابن ماکولا نقل می‌کند که ابوبکر احمد بن محمد برقی یکی از فضیلتی متقدم است، شعر بسیار سروده و در ۳۷۶ ق در گذشته است، آنگاه که گفته من دیوان شعر برقی را به خط شاگردش ابن سینا دیده‌ام. یحیی مهدوی گوید: چون تاریخ تولد شیخ، بنا بر اصلح، سال ۳۷۰ ق بوده و تاریخ فوت برقی ۳۷۶ ق بوده، شیخ باید کتاب را به هنگامی که پنج - شش ساله بوده، نوشته باشد و این بعید به نظر می‌رسد. (مهدوی، ۱۳۳۳، ص ۵۲) اما این استبعادی که مهدوی بیان می‌کند، در صورتی تأیید می‌شود که در خاندان برقی فقط یک فرد موسوم به ابوبکر برقی باشد، علاوه بر اینکه شیخ در سیره، پیش از آنکه از ابوالحسن عروسی و ابوبکر برقی یاد

کند، می‌گوید: چون به ۱۸ سالگی رسیدم از اکتساب جمیع علوم فراغت یافتم. پس از آن همسایگان خود را که عبارتند از: ابوالحسن عروسی و ابوبکر برقی نام می‌برد و می‌گوید که کتاب *الحاصل و المحصول و البر و الاثم* را برای برقی نوشتم، این خود دلیلی است که این برقی نمی‌تواند آن برقی باشد که در سال ۳۷۶ ق وفات نموده است.^۱

کلام فی المواعظ

این اثر که با عنوان *کلام فی المواعظ یا المواعظ - النصیحه لبعض الاخوان* گزارش شده، به‌دست ما نرسیده است؛ (مهدوی، ۱۳۳۳، ص ۲۰۰) اما آن‌گونه که از عنوان برمی‌آید، مشتمل بر مواعظ و نصایح اخلاقی است.

آثار مرتبط با اخلاق

در میان آثار بوعلی، چند دسته آثار هم وجود دارد که گرچه موضوعاً در اخلاق نیست؛ اما به فهم دیدگاه و جهت‌گیری اخلاقی وی کمک می‌کند:

الف. آثار عرفانی و رمزی:

۱. رساله *حی بن یقظان*؛ ۲. رساله *ابسال و سلامان*؛ ۳. رساله *الطیر*. این رسائل مراحل سیر و سلوک عقلی انسان را در قالب رمز و استعاره بیان می‌کنند. این آثار به‌دست ما رسیده و بارها چاپ و برخی نیز شرح و حتی به فارسی ترجمه شده‌اند. ابن سینا در این آثار، در قالب زبان، کما بیش، به همان راهی رفته که ابن مقفع در *کلیله و دمنه* رفته بود، گرچه از نظر موضوع متفاوتند. آثار ابن سینا، عرفانی و سلوک عقلی است؛ اما *کلیله و دمنه*، اخلاق فردی، سیاسی و اجتماعی را بازتاب می‌دهد.

ب. آثار نفس‌شناسی:

۱. رساله *فی النفس*؛ ۲. فن *ششم از طبیعات شفا (علم النفس)*؛ ۳. *احوال النفس* و سایر مباحث نفس‌شناسی شیخ که به تفصیل، هم از منظر وجودشناسانه و هم علم‌النفسی، به

1. <http://buali.ir/asar.fehrest.fa.html>.

مسأله نفس، حالات و صفات آن پرداخته است. این رسائل، گذشته از آنکه برخی مبانی اخلاقی را به دست می‌دهند، به بیان و تحلیل برخی حالات نفسانی نیز می‌پردازند و از این حیث، رفتار ارتباطی فرد با خود را بازتاب می‌دهند و به این ترتیب با اخلاق همبستگی پیدا می‌کنند؛ ۴. کلام فی تبیین ماهیه الحزن، حزن به عنوان یکی از حالات نفس با اخلاق همبستگی دارد؛ ۵. کتاب السیاسة. مباحث عمده این رساله در مورد سیاست نفس، سیاست منزل و سیاست زیردستان است. دست کم، بخش سیاست نفس این اثر، با اخلاق همبستگی دارد.

ج. اخلاق سیاسی و اجتماعی:

۱. مقاله دهم از الهیات شفا، به ویژه فصل پنجم آن با عنوان «فی الخلیفه و الإمام و وجوب طاعتهم، و الإشارة إلى السياسات و المعاملات و الأخلاق»، در حوزه اخلاق سیاسی مباحثی دارد؛ ۱۰. الخطاب، خطابه بخشی از جزء چهارم منطق شفاست. بوعلی در آنجا از اختلاف مردم در اخلاق، در انواع صداقت، امنیت، خوف، جبن، شفقت، غیرت و حمیت، نقت، استخفاف و حسد و در انواع استحياء و منت، ضمن مباحث مربوط به خطابه سخن گفته است.

نتیجه

ما امروز برای استفاده از مواضع و دیدگاه‌های اخلاقی بوعلی نیاز داریم به پرسش‌های متعددی پاسخ بدهیم، از جمله: جهت‌گیری اخلاقی وی سلامت محور بود یا حقوق محور و یا کمال محور؟ آیا رویکرد اخلاقی او فردگرایانه بود یا جامعه‌گرایانه؟ اخلاق‌گرایی ابن سینا در حوزه اخلاق درون شخصی بود یا برون شخصی؟ آیا ابن سینا درک روشنی از اخلاق گروه‌ها داشت؟ اخلاق سیاسی و اجتماعی چگونه؟ آیا می‌توان از مجموع دیدگاه‌ها و مواضع وی نظام اخلاقی خاصی بیرون کشید؟ آیا او در اخلاق به منش اخلاقی می‌اندیشید یا به کنش اخلاقی؟ به عبارت دیگر، آیا تعریف او از اخلاق مبتنی بر ملکه نفسانی بود یا مبتنی بر رفتار اخلاقی؟ آیا او را در ردیف فضیلت‌گرایان دسته‌بندی کنیم یا

نتیجه‌گرایان و یا وظیفه‌گرایان؟ مباحث اخلاقی وی فرااخلاقی و تحلیلی است، یا اخلاق هنجاری یا اخلاق توصیفی؟ آیا او در روش فلسفی است؟ یا روایی و یا عرفانی و یا ادبی و تاریخی؟ و شاید هم تلفیقی؟ آیا او در اخلاق نوآوری هم داشته است؟ چرا او با توجه به حضور پررنگی که در بسیاری از شاخه‌های علمی روزگار خویش داشته، در اخلاق پررنگ ظاهر نشده است؟ دست کم در اخلاق علم. رساله‌ی عهد را نمی‌توان در ردیف عهدنامه‌های معروفی که مثلاً در پزشکی وجود دارد، مانند عهدنامه معروف بقراط قرار داد. یک تمایز آشکار اینکه این عهدنامه معطوف به خویش است؛ اما عهدنامه‌های معروف، معطوف به دیگری و رفتار ارتباطی با دیگری است. ابن سینا رابطه‌ی دین، شریعت یا فقه و اخلاق را چگونه می‌دید؟ آیا وابستگی اخلاق به دین نزد وی ذاتی بود؟

اینها نمونه پرسش‌هایی است که اگر بخواهیم بوعلی را در زمانه خودمان به سخن درآوریم، نیاز داریم که با تحلیل آثار وی به آنها پاسخ بدهیم. تلاش‌های ارزنده‌ای مانند برگزاری «همایش ملی اخلاق علمی و اخلاق کاربردی با محوریت اندیشه‌های دانشمند حکیم شیخ الرئیس بوعلی سینا» صورت گرفته و مقالات خوبی هم به دست آمده؛ اما اینها آغاز راه است و تا انجام رهی طولانی است.

پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ابن ابى اصبيعه، احمد بن قاسم. (بى تا)، عيون الأنباء فى طبقات الأطباء، محقق عامر نجار، القاهرة: الهيئه المصريه العامه للكتاب.
- ابن سينا، حسين. (١٩٨٠م)، عيون الحكمة، بيروت: دارالقلم.
- _____ . (١٤٠٤ق)، الشفاء- الإلهيات، قم: انتشارات مرعشى نجفى.
- احمد پور، مهدي (و همكاران). (١٣٨٩)، كتابشناخت اخلاق اسلامى، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامى.
- اعوانى، غلامرضا؛ پاكتنجى، احمد. (١٣٦٧)، «اخلاق»، دايرة المعارف بزرگ اسلامى، جلد هفتم، تهران: مركز دايرة المعارف بزرگ اسلامى.
- تهرانى، شيخ آقا بزرگ. (١٤٠٨ق)، الذريعه إلى تصانيف الشيعة، ايران: اسماعيليان قم و كتابخانه اسلاميه تهران.
- حاجى خليفه، مصطفى بن عبد الله. (بى تا)، كشف الظنون عن أسامى الكتب و الفنون، بيروت: دار احياء التراث العربى.
- داورى اردكانى، رضا. (١٣٨٣)، «چرا ابن سينا در حكمت عملى اثر مستقلى تصنيف نكرده است؟»، نامه فرهنگ، شماره ٥٣، پاييز.
- سبانو، احمد عسان. (١٩٨٤/٢٠٠٠م)، ابن سينا فى دوائر المعارف العربيه و العالميه، دار قتيبه.
- الفارابى، ابو نصر. (١٩٨٧م)، التنبيه على سبيل السعاده، دراسه و تحقيق سحبان خليفات، عمان: الجامعه الاردنيه.

- مجتبیای، فتح‌الله. (۱۳۶۷)، «ابن سینا»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد چهارم، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
- مهدوی، یحیی. (۱۳۳۳)، فهرست نسخه‌های مصنفات ابن سینا، تهران: انتشارات انتشارات دانشگاه تهران.
- <http://buali.ir/asar.fehrest.fa.html>.





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی